

نامه سرگشاده به بهانه اجلاس سالانه سازمان جهانی کار در ژنو

من یک کارگر بازنشسته هستم که عمری در رنج و کار و زحمت زیسته ام.

زندگی و سرنوشت من به مانند میلیون ها کارگر دیگر با ستم و استثمار و فقر رقم خورده است.

ان زمان که من بعنوان یک کارگر شاغل در مراکز کار و تولید برای داشتن لقمه ای نان، نیروی کار خود را در اختیار صاحبان سرمایه قرار می‌دادم، ستم و استثمار و بردگی را با تمام وجودم درک کردم.

امروز در مقام یک کارگر بازنشسته صحبت می‌کنم، بازنشسته اجباری. کارگری که در جریان اعتراضات به حق در نیشکر هفت تپه با هزاران کارگر دیگر برای کسب مطالبات پایمال شده فریاد زدیم و به خیابان ها آمدیم تا شاید صدای ما شنیده شود و بتوانیم به حداقل هایی دست پیدا کنیم.

در ادامه اعتراضات پر شکوه کارگران هفت تپه در سال ۱۳۸۷ توانستیم با تلاش و همت کارگران مبارز و حق طلب، تشکل کارگری مستقل خود را با رای گیری ایجاد کنیم.

من و جمع دیگری از کارگران بعنوان هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت، انتخاب و عهده دار مسئولیت شدیم. اما دولت و حکومت مدافع صاحبان سرمایه در ایران تاب نیاورند و هجوم خود را به ما شروع کردند. از توطئه تا تفرقه اندازی، از تهدید و ارباب تا بازداشت و زندانی کردند، از سلول های انفرادی و نهایتا اخراج از محل کار. این سرنوشت تمام کارگرانی است که در ایران تحت حاکمیت مدافعان ستم و استثمار بخواهند تشکل مستقل از دولت و کارفرما را به نیروی خود ایجاد کنند.

سهم من و تمامی اعضای سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و دیگر کارگرانی که مطالبه گر هستند و برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری تلاش می‌کنند، اخراج و زندان بوده و هست.

نهادهای پلیسی امنیتی با اتهامات واهی اغتشاش گر، اقدام علیه امنیت ملی و جاسوس بیگانگان! به ما حمله ور می‌شوند.

جالب است که طی چند روز گذشته چندین تن از افراد دو تابعیتی که به اتهام جاسوسی! محاکمه و احکامی برای آنها صادر شده بود، با هواپیما به کشور های بیگانه! با دست گل برگردانده شدند، اما کارگران خوش نامی چون رضا شهابی، داود رضوی و حسن سعیدی که به اتهام کاملاً واهی و بی پایه و اساس جاسوسی تحت پوشش ملاقات با دو نفر فرانسوی بازداشت شده اند، همچنان در وضعیت بسیار بد و نا مساعدی در زندان های حاکمیت هستند. این دروغ بزرگی است که رفقای ما را به آن بهانه بازداشت و زندانی کرده اند. جرم این عزیزان تنها ایجاد و تبلیغ و ترویج ایجاد تشکل های مستقل کارگری و کسب مطالبات پایمال شده کارگران بوده و هست. در ایران، کارگرانی که چندین ماه دستمزد خود را دریافت نکرده اند و ناچار می‌شوند به این بی حقوقی آشکار اعتراض کنند، بازداشت می‌شوند، و در بسیاری از موارد جریمه نقدی شده و یا با احکام شلاق رو برو می‌شوند، یکی از نمونه های اینچینی کارگران معدن طلای آق دره بود که ۱۶ نفر از این کارگران را با حکم دادگاه!! شلاق زده شدند.

اینها تنها گوشه های بسیار کوچکی از یک واقعیت بزرگتری است که کارگران در ایران با آن دست و پنجه نرم می‌کنند.

فقر و نداری، استثمار، تبعیض و نابرابری ها، بیکاری و غارت و دزدی از سفره کارگران در ایران بر کسی پوشیده نیست.

ایجاد تشکل های مستقل کارگری در ایران حرام و جرم محسوب می‌شود، جرمی غیر قابل بخشش! حاکمیت تحمل شنیدن صدای حق طلبی کارگران را ندارد و هر گونه تشکل مستقل کارگری که به نیروی کارگران ایجاد شود را در نطفه خفه می‌کنند.

طبق روال معمول در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار، امسال هم افرادی تحت عنوان نماینده کارگران ایران در این اجلاس حضور خواهند داشت.

این دروغ آشکاری است که این افراد نمایندگان کارگران هستند، همانطور که شما شرکت کنندگان اطلاع دارید، این افراد نماینده صاحبان سرمایه و حاکمیت ایران هستند و هیچ ربطی به منافع کارگران در ایران ندارند.

همانطور که اطلاع دارید خانه کارگر، شورا های اسلامی کار و دیگر تشکل های ساخته حکومت، نهاد های پلیسی و امنیتی در محیط کار هستند که توسط پلیس و ارگان های سرکوب هدایت و رهبری می‌شوند.

نمایندگان تشکل های دست ساز حکومتی، منتخب کار فرمایان و نهاد های پلیسی و امنیتی هستند و هیچ ربطی به کارگران ندارند، چرا که انتخاب این افراد توسط کارگران صورت نمی‌گیرد و در بهترین حالت در زمان رای گیری

کارگران را پای صندوق های رای، می کشانند تا به افرادی که توسط نهاد های سرکوبگر تایید و انتخاب شده اند، رای دهند.

من و دیگر کارگران در ایران می دانیم که هیچ فریاد رسی وجود ندارد و ما باید فریاد رس خود باشیم، می دانیم که فعلا هیچ نهاد مستقل کارگری توانمند ی در سطح بین المللی وجود ندارد تا بتوانیم با هم در همکاری باشیم و بعنوان یک طبقه جهانی از منافع خود در مقابل سرمایه داران، از خود دفاع کنیم.

اما امروز بر خود لازم دیدم تا این نامه سرگشاده را به بهانه برگزاری اجلاس سالانه سازمان جهانی کار، انتشار دهم تا یک بار دیگر اعلام کنم که افرادی که تحت عنوان نماینده کارگران ایران در اجلاس سالانه شرکت می کنند، نماینده ما کارگران نیستند، بلکه این افراد نماینده حکومت ضد کارگر و صاحبان سرمایه و کارفرها در ایران هستند. نماینده واقعی کارگران یا از محیط کار اخراج شده و یا در زندان هستند و یا پرونده های آنها در دادگاه ها !! مفتوح می باشد.

اجازه حضور نمایندگان کارفرمایان و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار، نشان می دهد که اکثریت اعضای تشکیل دهنده این اجلاس، نمی توانند نمایندگان واقعی و مستقل کارگران باشند، اگر نماینده گان واقعی کارگران در این اجلاس سالانه حضور داشته باشند، قطعاً با حضور نمایندگان رژیم ایران مخالفت خواهند کرد و بر علیه سرکوب های این رژیم اعتراض خواهند داشت.

صدای ما کارگران را از پشت میله های زندان و از کف خیابان ها بشنوید. با وجود فضای سرکوب و اختناق، اعتراض پیگیرانه بازنشستگان، کارگران، پرستاران، معلمان در بخش های مختلف کار و تولید و خدمات، هر روز در ایران جاری است.

صدای نمایندگان کارگران را از پشت میله های زندان بشنوید، صدای رضا شهابی، حسن سعیدی و داود رضوی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که به جرم ایجاد و دفاع از تشکل های مستقل کارگری به بند کشیده شده اند، همچنین صدای سپیده قلیان که به خاطر دفاع از حقانیت کارگران هفت تپه در زندان می باشد و صدای ده ها و صد ها و هزاران صدای دیگری که پشت میله های زندان هستند.

صدای دانشجویان خبر نگاران، مدافعین محیط زیست، اقلیت های جنسی و جنسیتی، ملل تحت ستم، و ...، در کف خیابان و پشت میله های زندان بشنوید.

افراد ارسالی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران که تحت عنوان نماینده کارگران به اجلاس سالانه سازمان جهانی کار دعوت شده اند، نماینده واقعی ما کارگران نیستند، اینها نمایندگان حاکمیت و صاحبان سرمایه ای هستند که صدای اعتراض را با گلوله جواب می دهند.

بلاشک و یقیناً صدای خیزش زینا را با شعار ژن ژیان نازادی را شنیده اید، حتماً از قتل ۵۰۰ نفر در کف خیابان ها هم اطلاع دارید، از بازداشت ده ها هزار نفر و اعدام روزانه زندانیان، از دستمزد های بسیار نازل، از فقر مطلق و نداری، از همه چیز اطلاع دارید، حتماً می دانید فرستادگان حاکمیت اسلامی ایران در اجلاس سالانه شما، از جنس ما کارگران نیستند، بر عکس اینها ضد کارگر، ضد تشکل های مستقل کارگری، ضد آزادی، و سرکوبگر هر نوع صدای حق طلبی کارگران و ستمدیدگانی هستند که برای رهایی مبارزه می کنند.

صدای ما را از پشت میله های زندان و کف خیابان ها بشنوید!

زنده باد اتحاد و همبستگی سراسری طبقه کارگر بر علیه سرمایه داران

علی نجاتی، کارگر بازنشسته سندیکای کارگران نیشکر هفت

۱۳ خرداد ۱۴۰۲